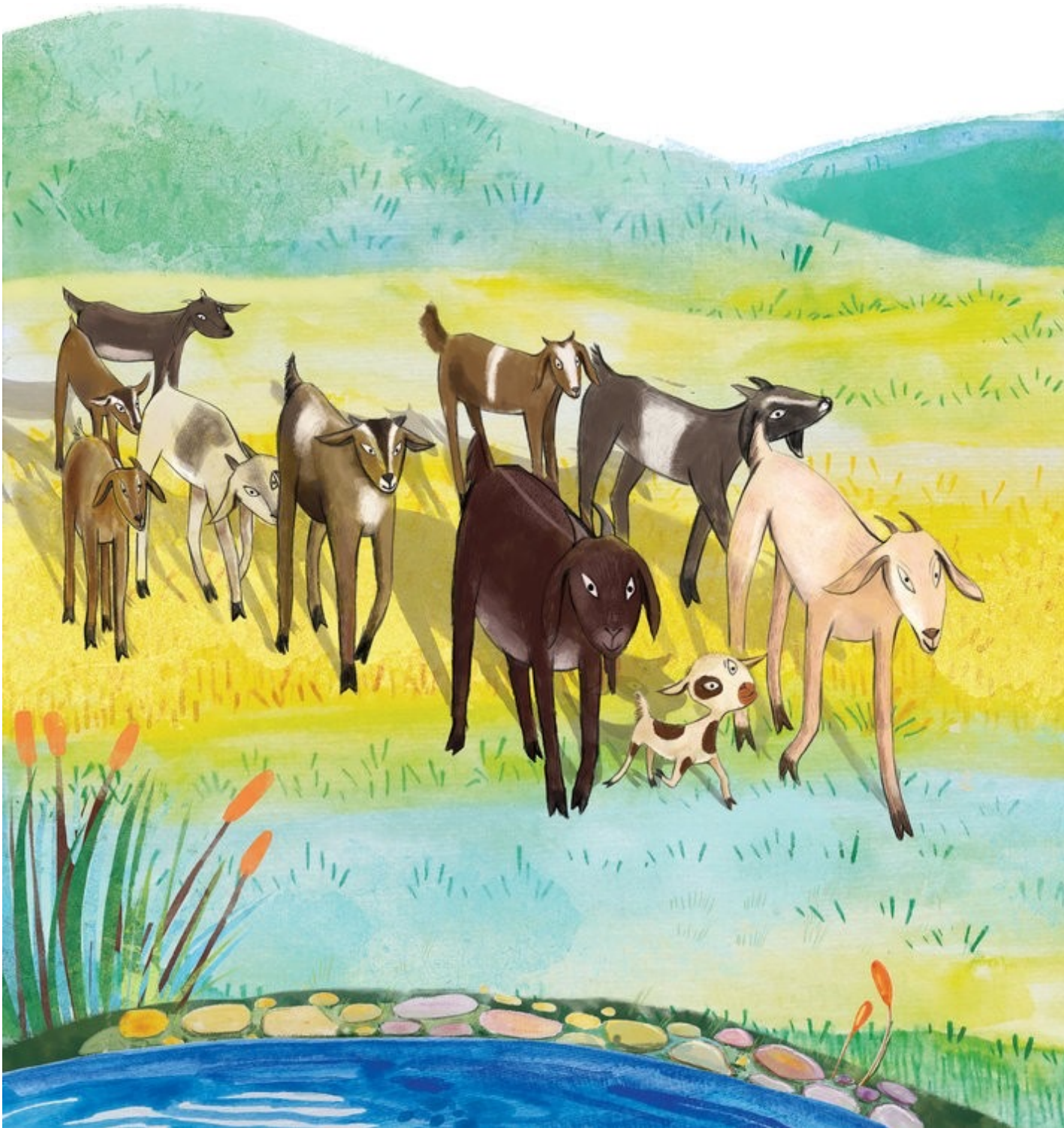


# راز حباب ساختن



نویسنده: موراری جها  
مترجم: فرید احمد کریمی



بزغاله بسیار خوشحال بود. او  
بار اول بود به دریاچه میرفت.  
وقت حمام بود!



در نخست، بزغاله از آب  
میترسید.

اما وقتی که دید تمام بزهای دیگر  
آب بازی می کنند، او در  
دریاچه خیز زد!



همگی خندیدند. همگی آب بازی می کردند. همگی بازی می کردند!



بزغاله در اطراف خود حباب ها را دید.

آنها بلق بلق بلق میرفتند! او کمی ترسیده بود.



اما او بسیار زود با حباب ها عادت کرد.

بزغاله خیز زدن، رقص و ملاق زدن را با حباب ها شروع کرد.



بعد از روز تفریح، بزغاله  
در تعجب بود، «چگونه  
حباب ها بوجود می آیند؟»

او از بابای خود پرسید و بابا  
گفت او نمیداند.



بزغاله از مادرش پرسید.

مادرش گفت او هم نمیداند.





بنابراین، بزغاله تصمیم گرفت  
داستان حباب ها را خودش حل  
کند.



او دم خود را در آب تکان داد...

او با تمام توانایی خود در آب پف کرد...

اما او نتوانست حباب تشکیل بدهد!





یک روز، معده بزغاله درد می  
کرد. او تعجب کرد که چه کار  
کند.



او تصمیم گرفت که در آب  
سرد دریاچه حمام کند.



معدۀ او قور قور می کرد. ناگهان، گاز معدۀ بزغالہ بیرون شد! پسست!  
وقتیکہ گاز در داخل آب بیرون شد، در سطح آب حباب بوجود آمد. بلق بلق بلق!



بلاخره، بزغاله راز حباب را حل کرد!



حالا، وقتی روز حمام رسید، بزغاله جالب ترین حباب ها را بوجود آورد.



بعد از روز اول آب بازی، خواهر بزغاله از او پرسید که حباب چگونه بوجود می‌آید.

و بزغاله به او چه گفت؟ چرا؟ او به خواهر خود گفت نمیدانم!



## سوالات رهنمودی

۱. سه احساس که بزغاله در قسمت های مختلف قصه داشت، بیان نمایید.
۲. نظربه این که شما خواندید، فکر می کنید حباب چگونه تشکیل می شود؟
۳. شما در کجا میخواهید بازی کنید؟ شما آنجا چه میخواهید انجام بدهید؟
۴. آیا شما تا به حال از چیز جدیدی مانند بزغاله ترسیده اید؟ شما چه کار کردید؟
۵. بعضی سوالات/رازهای که شما می خواهید آن را حل کنید چه هستند؟